



قیمت اشتراك سالانه

طهران دوازده (۱۲) قران
 سایر بلاد ایران هفده (۱۷) قران
 مالک خارجه دو (۲) تومان
 قیمت تک نمره
 طهران چهار (۴) شاهی
 سایر بلاد ایران (۵) شاهی

فاذا نوح في الصور فلا انساب بينهم

هفتگی سیاسی تاریخی اخلاقی ، مقالات و لواحق
 که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضا پذیرفته
 میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است
 یا کتبهای بدون نمبر قبول نخواهد شد
 و وجه آبونزه هر کس و از هر جا مقدمتا گرفته میشود

عنوان مراسلات

میرزا جهانگیر خان شیرازی و
 میرزا قاسم خان تبریزی
 طهران خبا بان علاء الدوله
 محاذی مهمانخانه مرکزی
 مدیر و نگارنده میرزا علی اکبر خان قزوینی
 پخشینه ۲۸ شوال ۱۳۲۵ هجری

بقیه از نمره قبل

همان روز که ما توانستیم بر عیای چشم بسته خودمان
 حالی کنیم که مزارعه موافق قانون دین قیم اسلام در
 تحت عنوان معاملات است : همان روز که برای ما
 ممکن شد بمسلمانهای ایران بفهمانیم در طریقه سهله سمحه
 اسلامی همیشه اختیار متعاملین شرط صحت معامله و اجبار
 یکی از دو طرف دلیل سقم و بطلان عمل میباشد ،
 و همان روز که لطیفه حکم محکم (الزرع للزارع ولو کان
 توأباً) را حواس دقیقه فرزندان اسلام درک کرد ،
 همان روز هم بلا فاصله باید يك شورش عمومی حقه
 رعایای ایرانرا از شمال بجنوب و از مشرق تا مغرب منتظر
 بود . و قدرت اتفاق جمعیت و معنی یدالله مع الجماعه ،
 المؤمنون اخوه ، و الجماعه رحمة را مشاهده کرده و مفاد
 (حلال محمد حلال الی یوم القیمة و حرام محمد حرام الی یوم
 القیمة) را بایک شکوه و وطنطنه تصور نشدنی ملاحظه نمود .
 آن قسمت عمده احکام اسلام که اقتضای زمان و مکان

در جریان ابدی آن دخالت ندارد همان احکام است که با
 وجود انسان ایجاد شده و همان قواعدیست که مصداق
 (قولوا آمنا بالله و ما انزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و
 اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و
 عیسی و اوتی الینبون من ربهم لانفرق بین احد منهم و نحن
 له مسلمون) میباشد ، و همان قواعدیست که در
 کتاب هر بنی مرسل و هر حکیم مقنن حرف بحرف
 تکرار میشود ، و بلاشک آن روز مبارک مسعود که احکام
 ازلی خدا و قوانین تغییر ناپذیر عالم خلقت جای مرج
 و مرج کنونی ایرانرا گرفت تمام اربابهای دوره توحید
 دنیا یعنی خداهای بزرگ و کوچک رعایای ایران با یک
 خجلت و خفت تصور نشدنی مجبورند که خود را
 (یارزیت) هبئت ، مفت خور جمعیت ، و طفیلی
 و حیره خوار کارگران خود بدانند ، و معنی (الرباب
 متفرقون خیر ام الله الواحد القهار) به بلندی و روشنی
 آفتاب ساطع و طالع شود .

حقوق طبیعی بشر و قانون معاملات دین قویم و
 قیم اسلام هیچوقت نمیتواند دید که اعضا جامعه جمعیت
 بشری ، اکفاً حقیقی و برادران اسلامی اولیاً دین مبین
 • و فرزندان فرانش واحد آب و خاک یعنی رعایای فلک
 زده ایران در دوره آزادی باز از تمام حقوق انسانیت
 محروم • و کارگر گرسنه ارباب و هم ترازوی حیوانات
 عجماً دنیا باشند .

هر قدر خود پسندی ، حرص ، و خونخواری
 اربابها این روز مہمون را دور تصور کنند عقلای دنیا
 که از فقر ، بد بختی ، و فلاکت ما لایطاق رعایای
 امروزی ایران مستحضرند میدانند که این خیال به
 سرعت برق و باد بعد از چند ماه در تمام کوره دہهای
 ایران منتشر شده و این احجاف و تعدی تصور نشدنی
 در تحت هر حکومت که باشد از ایران بر طرف
 خواهد شد .

عقاید رئیس آدم پرستهای دنیا (ژان ژرس) را
 هر کس در باب آئینہ ایران دیده باشد و انقلابات قرا و
 قصبات رشت را در این اواخر بان ضمیمه نماید میدانند
 که پایه انحرافها بر هوا نیست و بزودی همه این خیالات
 آدم آزاد کن در ایران از اولین مسلمبات قانونی
 خواهد شد .

برای سد راه همه این انقلابات شدنی ، برای جلو
 گیری از همه این هرج و مرج های مقدمه اصلاح ،
 برای آبادی مملکت از طریق فلاحت ، و برای مسلط
 شدن رعیت بکار و زحمت علاج منحصر همین است که
 رعایای ایران در همان قسمتی که زراعتش را بهمه
 گرفته اند مالک و صاحب اختیار باشند .

ولی آیا برای پیشرفت این مقصود کدام ارباب باذل
 عادل حاضر خواهد شد ؟ و آیا با کدام سرمایه و دارائی
 رعیت میتواند املاک را از دست مالکین و جان
 و عرض و ناموس خود را از چنگ آنان مستخلص
 سازد ؟

بلاشک نه هیچ ارباب موافق هیچ قانونی مجبور
 به وا گذاشتن مجانی املاک بر رعیت میباشد . و نه هیچ
 وقت رعیت امروزی ایران پیش از نان خالی ششاه
 خانه خودش را تحصیل نمیتواند کرد .

برای پیشرفت این مقصد خیر و نیت اصلاح فقط
 يك طریق مستوی و صراط مستقیم هست که پیروی آن
 بلاشک ضامن آزادی رعیت و مالکیت او (با عدم
 محرومی ارباب از حق مالکیت خویش) و بهلاوه مایه
 تولیدبانک ملی یعنی آخرین مایه استقلال دولت و ملت می
 باشد .

این طریقه مستعدنه و حرف تازه مملکت ما همان
 طریقه است که غالب ممالک دنیا در مقام کمال ضرورت
 و احتیاج ملت و فقر و فاقه عمومی ملک بکار برده ،
 و از اثر معجز نمای آن بسرعتی تمامتر گریبان خود را از
 دست بی برگی خلاص و وطن شان را منبع ثروت های
 عمده کرده اند . و بلاشک ما هم هر ساعت واقفاً در
 صد اصلاح خرابیهای ملک و مرمت بد بختیهای ملت
 بر آئیم بدون يك لحظه تردید باید از همین جاده عبور
 کنیم .

چنانکه سابقاً گفته شد وجود بانک ملی امروز در
 اولین درجه لزوم و توسعه فوائد فلاحت آخرین ضامن
 حیات ایران و مالکیت رعیت بدون هیچ شبهه اصل اصیل
 پیشرفت عمل فلاحی میباشد ، درینصورت اگر مادر
 پیروی آن طریقه حقه که حاوی همه این مقاصد حسنه
 باشد هر قدر زودتر سعی باشیم بهمان اندازه تولید بانک را
 آسانتر و اسباب اصلاح امور فلاحی را سریعتر و آسایش
 رعیت را کاملتر و ایران را بسرعتی هر چه تمامتر غنی و انبار
 ثروت های بزرگ کرده ایم .

ماهیچوقت بی بولی اسرا و ارکان و تجار محترم خود را تکذیب
 نکرده و نمیگوئیم که پوله های بزرگان ماسرمایه قسمتی از
 معاملات بانگهای خارجه است ، و مهمل و رغبت همه
 سران معظم مملکت را هم با تمام جان و مال در اصلاح امور
 و مخصوصاً تأسیس بانک ملی تصدیق داریم .

ولی اینرا هم نمیتوان انکار کرد که هر يك از این
 عاشقان اصلاح و مخصوصاً هوا خواهان تشکیل بانک
 اقلادارای يك ده شش دانگی میباشدند .

اگر در حقیقت امروز روزیست که رجال واعیان
 و شاهزادگان و وزراء و اعضا انجمن خدمت و فتوت
 ما مملکت و عرض و ناموس خودشان و دین قویم اسلام
 را در خطر نزدیک می بینند ، و اگر راست است که

همه نوکر امین و خادم بلوفای دولت جاوید آبت و جان
 تار لوای اسلام هستند ، باید بهر سرعت که ممکن است
 و با هر شاهکار اقتصادی که بتصور می آید با همین آخرین
 سرمایه خودشان که اراضی و املاک است رعیت را آسوده
 ، مملکت را غنی ، فلاحت راه قیود و بانک ملی را مستحکم
 و قوی کنند .

لا بد خواهند فرمود باین املاک و اراضی که وجه
 نقد در مقابل ندارد اجرا این مقاصد عالی و نیات حسنه
 ما چگونه صورت خواهد گرفت و چگونه میتوانیم با
 کیفیت مملکت را غنی ، اراضی را آباد ، رعیت
 را صاحب ثروت و بانک ملی را دارای سرمایه یا اعتبار
 کنیم ؟

این حرف صحیح است در صورتیکه علم و تجربه هم
 دردهای سلف ما یعنی فرانسه ها ، انگلیس ها ،
 اطریشها ، آلمانها ، برای ما راهی باستقامت و پاکیزگی
 و صفای خیابانهای خودشان نشان نداده باشند .
 اگر کسی بتاریخ دنیا نگاه کند می بیند که پیش
 آمدهای ملل مختلفه دنیا همه بیکدیگر شبیه ، همه بهم نزدیک
 و فریبناهم از روی یک نسخه اصلی (کپی) میشود ، و
 برای لاحقین تنها اطلاع بر اقدامات سابقین و پیروی
 آن در مواقع مکرره معینه کافی است

✦ بقی دارد ✦

✦ تلگرام شیراز بطهران بایم انگلیس ۲۵ ✦

✦ شوال ۱۳۲۵ (۲ دسمبر ۱۹۰۷) ✦

بتوسط حضرت رئیس مجلس مقدس و وکلای محترم
 آذربایجان ، وکلای محترم فارس ، وکلای محترم رشت
 ، انجمن مرکزی ، انجمن خدمت ، انجمن آذربایجان
 ، انجمن برادران ، انجمن جنوبی ، انجمن فارس ،
 انجمن کرمان ، انجمن اصناف ، روزنامه مجلس ،
 صور اسرافیل ، روزنامه مساوات ، صبح صادق
 ، تمدن .

حضور اعضا محترم دارالشورای ملی دامت تا ابداتهم
 و جناب وزیر داخله عرض میشود ، بجاه روز است
 از ظلم پسران قوام ظالم شکایت میکنیم فریاد میزنیم
 با بعلت بدبختی ماها یا بواسطه زشتیهای قوام قزاقی در

آسودگی ماها داده نشده ، بعضی از خدا بخبران صورت
 حال را طوری دیگر جلوه داده که ماها ملاحرك باراده
 غیریم و حال آنکه خدا شاهد و به حقیقت انسانیت قسم
 جز رفع ظلم پسران قوام و اجرای مشروطیت و حفظ
 شرف و آبروی خود از هتاکی علاءالدوله مقصودی
 نداریم .

اگر تظلم ماها را حمل بر غرض و هوا خواهی
 عمر و وزید نفرمائید استدعا داریم اولاً حاکمی غیر از
 علاءالدوله معین فرمائید ، ثانیاً پسران قوام و مقصد
 دیوان و نصیرالملک و مدبر السلطنه و خیرالدوله و هر
 کس دیگر را که اولهای دولت صلاح میدانند احضار
 فرمایند تا بک مملکت آسوده و ملت مرفه الحال شود
 ، امیدواریم عرایض متظلمانه صادقانه ما بی اثر و بلا
 جواب نماند .

انجمن اسلامی و ملت متحصن شاه بزراغ معروض
 میدارند ، غفلت در انجام مقصود ملت اسباب خرابی
 مملکت و مسئولیت حضرت احدیتست .
 (العبدالاسیر محمدباقر ، الاحقر عبدالحمید الموسوی)

✦ خلاصه مکتوب شهری ✦

از بدیهیات مسلمه است که امروز برای آسایش و
 ترقی فرزندان ایران و آبادی این قطعه خاک ویران که از
 اغراض و جلب انتفاع زیر دستان (یا مخالفین اساس
 مقدس مشروطیت) تردیکست پیمانه حیات سی کرور ما
 بچاره ها لرلرینز کندو برداری ماو کامروائی آنان وداع
 ابدی گوید ناچار جای تأمل و ملاحظه نیست لهذا با کمال
 ارزو از همت محترم اولهای پارلمان ایران و وزرای
 دوات خواه استدعا میکنم که من بنده را که این اوقات
 بچاپاری از فارس بطهران آمده و بخیماه در میان ایل
 قشقائی بوده ام بیدرتنگ نخواهند تا علت هرج و مرج و
 اغتشاش و شورش آن مملکت را بی کم و کاست عرضه بدارم
 زیرا که هر خبر و اطلاعی را نمیتوان در روزنامه درج
 و منتشر نمود ، جز دو جمله را که میتوانم محض خیر
 خواهی استای وطن در این جریده نشر دهم

یا فارس و بنادر و خلیج فارس یا قوام الملک و
 پسرهایش و حکومت علاءالدوله) حالا باید بابتیهای بی بابی منتظر

بود که آیا اولیاء مجلس و دولت از این دو کار کدام را در خیر خوای ملک و ملت اختیار مینمایند .
(فرج الله و کبیر فتقانی)

✽ خلاصه بجهت و مکتوب های یزد که باناره ✽
✽ رسیده دهم شوال ۱۳۲۵ ✽

بواسطه حادثه عظیمی که بتازگی روی داد پشت تمام مظلومین و مشروطه خواهان شکست و سگته بزرگی در تشکیل انجمن ایالتی روی داد . شرح ماجری اینست - که در ایران هر ایالت و ولایتی که دور از مرکز است بهمان درجه مسافت و بعد تا پای تخت ظلم و ستم ضعف و شدت دارد چنانچه در یزد بهمین جهت انجمن و تعدی ساطاست شیوع داشته و دارد . و در این اوقات که کلبه اهالی بجان و بستوه آمده و در خیال حفظ حقوق خود بر آمده و یکی از آنان که کمال جد و جهد و کوشش در اجرای پیشرفت معنی مشروطیت و انعقاد انجمن ایالتی داشت مرحوم حاج محمد تقی مازار بود که در صفات حسنه و حب نوع و وطن دوستی مشهور است ، و این مرحوم بدون خوف و بیم از مستبدین تا توانست در این مقصد مقدس خود داری نکرد و شب و روز آنی آسوده نبود و برای انجمن ایالتی خانه آقا سید ابوالقاسم از غندی را از نو ساخت و تهیه اساسیه آنجا را مبدید که مستبدین امانت ندادند ، که جلو غلط کاریهای آنها را بگیرد و مردم را از دست ظلم و بی حسابی آنان خلاص نماید .

مخالفین و معاندین مشروطیت که رئیس آنان مشیرالممالک است از بدو امر با این بیچاره کمال دشمنی را داشتند و این دسته ابوالقاسم برادر این شهید راه وطن را محرك شدند که در سلخ ماه رمضان در معبر عام با رولوه با زبان روزه این مرد را کشت ! و داغ حسرت بردل تمام غیرتمندان و صاحبان وجدان گذاشت ! ! و همه اهل شهر را ماتم زده و سوگوار کرد ! قاتل نیز در زاویه حضرت معصوم زاده متحصن است و جمعی مردمان گمراه که آن مکان مقدس را سرمایه کسب و شغل معیشت خود قرار داده اند و هر جانی و مقصری را که بر طبق قانون الهی باید مجزا و قصاص برسند برای جلب انتفاع در آنجا بنده میدهند او را حفظ کرده اند و با اینکه از

تمام علماً احکام قصاص قاتل صادر شده بستگان و کشتگان مشیرالممالک مسلح از او حمایت میکنند و مانع اجرای امر الهیند ! ! و بجهت مشروطه خواهی و حمایت فوق العاده که این شهید مظلوم از مجلس مقدس شوری داشت یکی از شعرا در ماده تاریخ فوتش اینطور میسراید ✽
مجلس ملی به یزد گشت شهید ۱۳۲۵ ✽

از تغییر حکومت و نفوذ مفسدین که همواره برای پیشرفت مقاصد سخیفه خود آتش فتنه را دامن میزنند اگر بزودی اولیای دولت توجهی به یزد نمایند اهالی آنها عموماً وزر دشمنان بیچاره خصوصاً دچار مخاطرات عظیمه خواهند شد . (امضای چهل و نه نفر)

✽ جواب تلگرام نمره ۲۵ حجة الاسلام ✽
✽ کرمان از طرف جناب مستطاب بحر ✽
✽ العلوم و کبیر علماً کرمان ۱۲ ✽
✽ رمضان ۱۳۲۵ ✽

محضر انور حضرت حجة الاسلام دامت برکاته العالیه ، از زیارت تلگرام مطاع نهایت حیرت حاصل شد زیرا که برائت ساحت قدس آنحضرت از اغراض و امراض محقق ، ولی اعتذار این جنایات عظیمه با این اعتذار سقیمه ابدأ صحیح نیست چرا که نص صریح (لو ان اهل السموات السبع و الارضین السبع اشترکوا فی دم حرام لا کبهم الله جیماً فی النار) لسان عیاذ را مقطوع و حدیث صحیح (ان عاقر ناقه صالح ما کان الارجل و احداً فلما عموه بالرضا عنهم الله بالبلأ) سبیل متعذری را ممنوع مینماید ، عبارت اخیر که مقرر ما پید و قتیکه بناباشد رجاله با حربه هجوم بارگ بیاورند تکلیف ایالت بیچاره چیست . موجب مزید حیرت گردید چرا که با استحکام برج و باروی ارگ کرمان بمجرد بستن دروازه ارگ دیگر برای احدی امکان ورود و دخول بان حصن حصین نبود در این صورت چه احتیاج باستقبال رعیت گرسنه برهنه و شلیک در آنها کردن و جمعی بی گناه را بدون جهت کشتن ، و جماعتی را مجروح کردن ، بعینه همین عنوان در مجلس مقدس شد جناب رئیس با تمام و کلاً عظام متفق الکلمه جواب دادند این ادعای حکومت که عمل او دفاعی بوده وقتی مسموع است که رعیت هجوم آورد بخانه

و مسکن حکومت ریخته باشند ، یا اینکه بعضی از این مقتولین از اجزای حکومت باشند ، در صورتیکه اجزای حکومت در خارج ارگ توی رعیت شلیک کرده باشند جمعی را کشته جاشی را مجروح کرده باشند و ابدأ احدی از اجزای ایالت مقتول و مجروح نشده باشد ادعای دفاع بکلی از آنها مسموع نیست بجز از تصدیقات صریحه سفرای خارجه و امنای داخله بی تقصیری رعیت و شرارت ایالت در مجلس مقدس ثابت و محقق گردید تمام ، حماه و اعوان ایالت حتی علمای اعلام و وکلا عظام متهم باخترشوه و غرض شدند و در منابر و مساجد و انجمن ها و مجامع صریحاً واعظین و ماطقین سب و لعن ظالمین و قاتلین و طرد و وطن برحاه و معاونین آنها نمودند ، و از انجمن های سرین طهران هم صریحاً توعید قتل و کلاً کرمان را کردند ، بنده در تمام ارادت ابدأ مصلحت آن حضرت را در حمایت نمیدانم ، اگر در سلطنت مستبده کسی اقدام بچنین خبیثاتی کرده بود تا قیامت خلاصی نداشت در سلطنت مشروطه که خیلی امر عظیم و کار مشکل است چرا که مدتی قبل که یکی از نوکر های سلطنت که در حضور هایونی آقای خود را کشته بود و فوراً با سر هایونی قصاص شد هنوز وکلای مجلس و جراید داخله و خارجه دست از ایراد و اعتراض بر این قتل و قصاص بر نداشته اند که چرا قبل از محاکمه و استنطاق قصاص فرموده اند در صورتیکه با شخص سلطنت این قسم رفتار و گفتار و ایراد و اعتراض کنند دیگر چطور از مجازات چندین خون ناحق درمی گذرند بنده که تا بحال سکوت و جلو گیری کرده ولی من بعد قوه ندارم چرا که جان من در خطر است ، تمام هستی و زندگانی من بیچاره روی وکالت علماً کرمان بدون بگذره نایده و منفعت بیاد فنا رفت ، حالا دیگر نوبت جانم رسیده که آنهم روی وکالت و حمایت ایالت کرمان برود

عسر الدنيا والاخره ذاك هو الحسرة المبین

(خادم ملت مهدی بحر العلوم کرمانی)

* حق شناسی *

کمتر کسی است که دریانخت یا سایر ایالات ایران شمه از شرح شجاعت و غیرت و جوانمردی سرکار والا عزیز الله مهرا معروف باقا عزیز را نشنیده باشد ، و همه میدانند

که سو آتار دوره استبداد بنا بر آنکه طبعاً با رشادت و شجاعت و مرفعت حسنه دیگر مبنایت دارد این مرد غیرت مند را نیز مانند همه شجاعان و جوان مردان دیگر وطن دجار هزاران مصائب و رزایا کرد . و بالاتر از همه آنکه دستهای رسای این جوانمرد غبور چنانکه همه شنیده اید در سر غیرت و جوانمردی مقطوع شد ، باین همه مظلومیت فاحش که هر مزد کار بر باید از کار بپردازد باز این شخص با غیرت از پیروی صفات حیده و اعانت مظلومین و ملهوفین در همان دوره استبداد نیز دست نکشید ، و در دوره آزادی هم چنانکه بر احدی پوشیده نیست لشکر های شکسته استبداد در هر موقع که خواستند اظهار حیات و تمهید قوا کنند بوسائل عدیده و مبالغه کزاف در صدد همدست کردن این مرد غیرتمند و وطن دوست برآمدند و او بواسطه همان صفات حسنه از همه آن عطایای ننگ آمیز گذشت و پا از دایره انسان پرستی بیرون نگذاشت و بیکان ما تکلیف وجدانی ما روز نامه نگاران آن بود که بجای آنکه همه روزه از فلان خائن تمجید کنیم و فلان مستبد را در ردیف اولیا قلم بدهیم افلا کاهی هم از مزایای این مرد و اخلاق حسنه او ذکر کرده باشیم ، اینک ما بتلافی مافقت از طرف هم قلمهای محترم و هم قدم خودمان از این فدا کلرها تشکر گفته و ضمناً میگوئیم بنا بر اطمینانیکه ما با قوال این شخص محترم داریم نواب والا امیر اعظم در مسئله مجازات جناب افصح المتکلمین و آن چند نفر دیگر مشقه شده اند و این برای انسان که بنا بر معروف محل سهو و نسیانست همه وقت امکان اتفاق در دارد ، و باز بقیده شاهزاده مزبور شخص امیر اعظم با اساس مشروطیت موافق بوده و میباشد مفتاح چیزی که هست ما باید خاطر ایشان را متذکر کنیم که خوب زدن علما و سادات و روزنامه نگاران در دوره استبداد هم کار کوچکی نبوده تا چه رسد بحالا که موافق قوانین اساسی مجازات عموماً بعد از محاکمات دقیقه و رسیدگیهای منصفانه است و پس از نبوت تقصیر هم مجازات خوب زدن یادگار دوره سلطنت مغولها نیست ، و هیچ قانون و شریقی خوب زدن را تصویب نمیکند و بعد از همه اینها ما از امیر اعظم خواهیم

می کنیم که موافق حسن ظنی که شاهزاده مزبور در حق ایشان دارند خوشت بتلافی مافات پرداخته و اسباب رفاهیت و آسودگی این چند نفر را بنحو اکمل در دوره حکومت خودشان فراهم نمایند

✽ مکتوب فارس ۱۵ رمضان ۱۳۲۵ ✽

تمام صبی دهاات (کربال) که مقدار دویست هزار من شاتوک بود و صد هزار من آن عاید من میشد و ده هزار تومان قیمت داشت ایل عرب برد ، در غره ماه که آقلین (پسران قوام) وارد (بند امیر) شدند حکم به ایل بهارلو (عمده نوفلی) نموده و پنج قریه دیهات را که رحمت آباد ، فرح آباد ، ملک آباد ، صید آباد اسمبیل آباد است حتی الوتدی الجدار باقی نگذارند بیشتر از صد و پنجاه هزار تومان گاو گوسفند ، مس ، پوشن و پول بردند ، تمام قلاع این دیهات را باخانه های بزرگان آتش زدند ! و بنحفر را کشته و جسدشان را سوزانیدند ! و چند طفل مفقود الاثر شد ! و بدن دوفر زن را برای ابراز پول داغ کردند ! هزار و پانصد نفر زن و مرد این دیهات الان در کربال گدائی میکنند ! ! ، شتوی و صبی (مرودشت) بکلی از میان رفت ! از (فالانیک) هم خبر رسیده که دوهزار و پانصد رأس گوسفند آنجا را (ایل فر) برده اند ! !
میگویند سوار برای غارت (فسا) و (سروستان) و قطع اشجار قریه (بادنجان) هم فرستاده اند ! !
این کارهای بعد از قسم یاد نمودن در مجلس مقدس شورای ملی است !

چرندک پرندک

های های های ! ! ! من خودم میدانم که الان همه مشترکین دخو چشم انتظارند به بینند دخو بر حسب وعده نمره یش با باقی مانده عمده خلوت چه طور رفتار خواهد کرد . یقیناً حال همه گوش نزن کند به فهمند و دخو چه جور از خجالت خائشین های بیری خان بیرون می آید . البته باید هم چشم انتظار باشند ، باید هم گوش بزنگ

باشند . چرا نباشند ؟ دیگر از دخو دیوانه تر کجا گیرشان می افتد . از دخو بی شعور تر از کجا پیدای . کنند که با ماشاء الله و بارک الله و آفرین باد بستمینش بکنند هندوانه زیر بغلش بدهند ، و مثل خروس جنگی بیندازندش به جان بنده های مظلوم بی گناه خدا ، و وقتی هم که خدای نکرده ، زبانم لال ، هفت قرآن در میان ، گوش شیطان کر ، الهی که دیگر همچو روزها را خدا نیارد دخو زیر دگنک آقاییان افتاد بروند دور بایستند و بجماعت دخو بخندند .
به به به ! آفرین باین عقل و هوش ، مرجع باین فهم و ادراک ، دیگر بهتر از این چیست ، گمان نمکنم هیچوقت آن دخوی قدیمی هم باین احمق بوده .

نه بمرگ خودم این دیگر نخواهد شد ، این دیگر برای همه آرزوست که یکدفعه دیگر باز دخورا رویند کنند و مثل دیوانه ها بمیدان انداخته بچه ها دست بزنند و بزرگها هر هر بخندند . بعد از این خواهید دید که اگر دنیا را آب ببرد دخو را خواب خواهد برد . من چه خرم بگمل خوابیده که بردارم بنویسم وزرای ما تا (ارگانی زاسبون) ادارات خودشان را مگنل نکند مشروطه ما با یک پف خراب میشود ، من چکار دارم که بگویم انجمنها و اجتماعات مشروعه را هر کس جلو گیری بکند معنیش این است که مجلس شوری باید تعطیل شود ، مگر پشت گوشم داغ لازم دارد که بردارم بنویسم علت تکمیل نکردن عمده وکلای مجلس این است که بنادا خدای نکرده چهار تا آدم بیغرض داخل مجلس بشود و یازقی بی غرضها قوت بگیرد . مگر من از آبروی خودم نمی ترسم که بردارم بنویسم و اعظین سخن حضرت معصومه بدستور العمل متولی باشی بالای منبر داد میزنند (با مشروطه طلب محشور نشوی صلوات دویم را بلند تر بفرست) مگر من از زندگی خودم سیر شده ام که بنویسم والله بالله مجازات دوازده قتل نفس محترمی که بدست طفل هبجده ساله آقام فرمانفرما در میدان کرمان شد در ردیف مجازات پسر رحیم خان و اقبال السلطنه و عطف باستر داد اسرای قوچان خواهد شد .

اینها را من چرا بنویسم . هر چه تا حالا نوشتم برای خودم و هفتاد پشم کافی و دیگر بس است . اینها را همان روزنامه که تازه از سفارتهای خارجه ماهانه دیگر است چشمش چهار تا بشود بنویسد . گذشته از همه اینها من همین تازگی ها مسئله اش را هم در یک مسجد پیش یکی از شاگردهای آقا شیخ ابوالقاسم درست کردم . گفت غیبت از گوشت سگ حرام تر است یعنی مثلاً اگر کسی بگوید که کار جناب امیر بهادر جنگ بجائی رسیده که حالا دو نفر خطیب درجه اول مملکت ما را میخواهد بدلبه بکشد : مثل این است که از گوشت مثلاً بی ادبی میشود سگ قورمه سبزی درست کرده باشد . بعد خواستم مسئله رشوه را هم همانا نوی مسجد از شاگرد آقا شیخ پیرسم قدری به اینطرف آنطرف نگاه کرده گفت آدمهای آقا دارند می آیند اینجا خوب نیست برو برو می آیم بیرون مسجد میگویم .

بله . من دیگر محال است یکدفعه دیگر از این حرفها بنویسم یا خودم را داخل در این کارها بکنم چرا ؟ برای اینکه آدم آنوقت مثل پاره اهل ریا خسرالدنیا والاخره میشود .

چرا باز بطور درد دل باشد چه ضرر دارد . آدم ملاحظش را هر چه هم که بد باشد وقتی بطور درد دل بگوید اسباب رنجش و مایه گله و گله گذاری نخواهد شد . بله من در این عمره میخواهم قدری با جناب شاپشال خلق درد دل بکنم . درد دل که عیب و عار نیست . درد دل که بسر من نون نشده . آدم نادر دل نکند غم و غصه هایش رفع نمیشود . درد دل خوب چیزی است . آدم همان طور که وقتی دلش درد میگیرد تا دوا نخورد دلش خوب نخواهد شد . همین طور هم آدمیکه غصه داشته باشد تا درد دل نکند سر دلش سبک نمیشود . بله درد دل عیب و عار نیست . همه بزرگان هم وقتی غصه دار میشوند درد دل میکنند . همانطور که مثلاً حضرت پرنس ارفع الدوله هر وقت از آسودگی سر حد ایران و عثمانی غصه دار میشود با بعضی از رجال باب عالی درد دل میکنند . همانطور که پاره علمای ما هم وقتی دلشان از درد پر میشود با بعضی از سفرا درد دل

می کنند . همانطور که حضرت والا نایب السلطنه هر وقت اوقاتشان تلخ میشود با ایادی امر درد دل میکنند . من هم حالا میخواهم با جناب شاپشال خان دو کلمه درد دل بکنم . اما باز میترسم که اسباب گله گذاری بشود . باز می ترسم خدای نکرده دشمنهای من از نوی همین درد دل هم یک حرفی در بیارند ، می ترسم این درد دل مرا بدجووری برای شاپشال خان ترجه بکنند . از اینها می ترسم از خیلی چیزهای دیگر هم هست که باز می ترسم . چه صلاح مبدانید هیچ درد دل نکنم ؟ هان ؟ چطور است ؟ بله ؟ شتر دیدی ندیدی ؟ بله نمی کنیم . اما آنوقت از جای دیگرش میترسم . می ترسم سرو همسر بگویند دخو با همه شارت و شورتنش ترسید . خوب علی الله بقول حاجی های قار باز خودمان (هرکی ترسید مرد) اینهم بالای همه اما منتهای با ادب صحبت میکنیم . و بر پرت پلا نمیکوئیم .

بسم الله الرحمن الرحيم جناب شاپشال خان پیش از هر چیز من چند سؤال از شما میکنم . یعنی چیزهایی است که من شنیده ام و باور کرده ام حالا مرگ من هر کدام را دیدید اینطور نیست فوراً رد کنید .

اولاً من شنیده ام جناب عالی مدرسه علوم شرقی پترزبورغ را تمام کرده اید یعنی جناب عالی در آن مدرسه علوم رسوم آداب اخلاق و مذهب ما مشرق زمینها را تحصیل فرموده اید . این طور هست یاخیر ؟ ثانیاً بمن گفته اند که شما هشت نه سال در تبریز و طهران در میان مسلمانها زندگی کرده اید یعنی مثلاً علوم را که در آن مدرسه خوانده بودید بواسطه معاشرت با ماها در مقام عمل در آورده اید ؟ ثالثاً من شنیده ام سرو کار شما درین مدت با اولین درجه بزرگان مملکت ما بوده .

رابعاً من شنیده ام شما مایل دارید که محبت و وداد دولتین علیتین ایران و روس همیشه موافق آرزوی همه ماها برقرار بماند .

خامساً من یقین دارم که شما قه زدنها و خود کشیها یعنی تعصیهای مذهبی مارا در تبریز و طهران خوب دیده اید . سادساً من مطمئنم که شما حکایت (گری باید اوف) سفیر دولت روس را در طهران و آنالقاء بفضا و شفاق بی

جهت که دوستی دولتین علیتین را موقتاً از میان بردمیدانید و باز میدانید که پایه آن ظاهر ابر همین تعصب مذهبی ما بود . سابقاً بر من معلوم است بواسطه همان تحصیلات سابقه و معاشرتهای لاحقۀ خودتان

در خدمت خوب فهمیده اید که از تمام شب های دنیا موافق قرآن ما فقط شب قدر محترم است و آن شب هم ما بین سه شب ماه رمضان مشکوک است .

ناتناً من شنیده ام و خودتان هم گویا انکار نداشته باشید که موسوی مذهب و تبعه دولت فخریه روس میباشند . تاسعاً موافق قوانین حقوق بین الملل مسبوکمید که احترام شعائر دینی هر ملت برای تبعه خارجه تا چه حد لزوم است .

حالا بعد از همه این اطلاعات که دارید بعد از اینکه شما باید حامی اتحاد دولتین علیتین باشید ، بعد از اینکه مذهب شما موسوی است . بعد از آنکه تاریخ (گری باید

اوف) را هم خوانده اید در صورتیکه شب بیست و سوم ماه رمضان یعنی در شب قدر اسلامی وقتی که شما در اولین مسجد یابی تحت شمع یعنی مسجد سپهسالار وارد میشوید و بورود هم اکتفا نکرده چند ساعت

هم توقف مینمایید آیا این کار شما را بچه حمل باید کرد ؟ آیا باید گفت که شما میخواستید موجب يك فساد عمده بشوید یا خیر ؟ ! آیا باید گفت که شما میخواستید در دوستی و اتحاد ابدی ایران و روس خللی بیندازید یا نه ؟

آیا باید گفت که شما موافق اسلام و قانون دولت فخریه روس محکوم ب مجازاتید یا نباید گفت ؟ آی جناب شایستال خان به پیرم محمد ص به دین هر دو مان قسم است که دخوا تقدر (فانایک) و مقصبت بیست . و شاید خودت هم صدای تکفیر

های صور اسرافیل را شنیده ، اما همه کس که دخونمیشود ، همه کس نخواهد گفت شاید در صدر اسلام اهل کتاب يك بوده اند و حالا احوط اجتناب است ، همه کس نخواهد گفت آنجا که شما تشریف داشتید سخن

مدرسه است نه مسجد شاید آن شب دخو یا یک مسلمان دیگر تورا بهمدیشهاش معرفی نمیکرد ، آیا فوراً غوغا و انقلاب میشد یا نمیشد ؛ آیا خدای نکرده جان شهادت معرض تلف بود یا نبود ؟ آیا این کار اقله موقتاً موجب القاء عداوت مابین دولتین علیتین میشد یا نمیشد .

من این حرفها را بشما نمیکویم بدولتین ایران و روس

عرض میکنم که موافق قواعد حقوق بین الملل به بینند تکلیف چنین آدمی چیست ؟ و بچه نحو با چنین شخصی باید رفتار کرد ، مسئله یشتاب هم که جای خود دارد و در صورت صحت میدانید که مایه جقدر تنفر ابرائیهها از همسایگان محبوب خود شده است .

باری مقصود درد دل بود اگر پیش خودمان بماند و جائی درز نکند عرض میکنم که شما لابد همه این مطالب را میدانستید و همه این مراتب مسبق بودید ، اما ماها وقتی بچه بودیم يك بازی در می آوردیم و يك شعر یا نثری هم داشتیم میخواندیم حالا اگر اجازه بفرمائید همان شعر را عرض کنم و مقاله را بدعای وجود مبارك ختم نمایم .

رفیق شهر کورا . دبدبم همه کور . منم کور . والسلام

✽ اعلان ✽

انجمن مدرسه الیاس فرانسه بجهت اشخاصیکه روز وقت تحصیل زبان فرانسه ندارند دوره تدریسی برای تکمیل درس فرانسه شبانه قرار داده است و همه شب غیر از شبهای جمعه و یکشنبه منعقد میشود هر کس طالب داخل شدن در این طبقه است از مسبو و بزیرمدرسه ترتیب ورود مدرسه را تحقیق بنماید .

✽ اعلان ✽

برای معالجه مرض سوزاک بتازگی دوائی تجربی در فرنگستان پیدا کرده اند که در دواخانههای نظامی و نرمال هم موجود است دستور العمل استعمال آنرا از مطب جناب احباء الملک (خبابان وزیر مخصوص) بخواهند .

✽ اعلام ✽

از تمام مشترکین محترم طهران و سایر بلاد داخله و خارجه که بمیل و رغبت باعدم اجبار قبول اشتراك هفتگی صور اسرافیل را نموده اند متنی است که وجه ابونه سالبانه را به موزعین و وکلای عظام اداره بپردازند و گرنه قیمت نوزده شماره دریافتی را پرداخته و بعد از این نمرات آتیه بجهت آنان ارسال نشود .